

بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر و عوامل مرتبط با آن

مطالعه موردی: شهرستان دلفان استان لرستان

سیدمحمد بساطیان*

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی جنبه فرهنگی فقر تحت عنوان «فرهنگ فقر» پرداخته است. این مفهوم را اولین بار اسکار لوتیس به صورت مبسوط و در نتیجه تحقیقات میدانی اش مطرح کرد. شاید کوتاه‌ترین تشریحی که از این مفهوم می‌توان کرد این است که فقرا فقر خود را به صورت خودآگاهانه ستایش نمی‌کنند، بلکه به صورت ناآگاهانه آن را حفظ می‌کنند.

این تحقیق با استخراج مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ فقر همچون تقدیرگرایی، مصرف‌گرایی و عدم تمایل به پس‌انداز، بیگانگی اجتماعی، عدم آینده‌نگری و عدم سرزنش فقر، به بررسی این پدیده در میان شهروندان شهرستان دلفان از حوزه استان لرستان و عوامل مرتبط با آن به روش پیمایشی پرداخته است.

نتایج نشان داد که حدود ۸۰ درصد نمونه مورد مطالعه، به میزان متوسط و زیادی از فرهنگ فقر رنج می‌برند. براساس یافته‌های تبیینی این تحقیق همبستگی معناداری بین فرهنگ فقر با سرمایه فرهنگی، میزان دین‌داری و محل سکونت در سطح ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. ضمن اینکه بین این متغیر و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی همبستگی معناداری مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ فقر، فقر فرهنگی، محرومیت، بازتولید فقر، سرمایه فرهنگی.

*کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی / smbasatian@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱۳

مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰، صص ۷-۳۲

طرح مسئله

«فقر نه فقط در زمان حال، بلکه به صورت بالقوه سراسر جریان زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد... فلاسفه، مجریان طرح‌ها و حتی سیاستمداران در مورد یک چیز با هم متفق‌القول‌اند و آن اینکه فقر یک مسئله است» (الکوک، ۲۰۰۶: ۴). حال آنکه از میان مسائل مختلف، فقر یک مسئله یا مشکل اجتماعی^۱ است و «مشکل اجتماعی نه به صورت منفرد که به صورت خوشه‌ای و شبکه‌ای وجود دارد. موقعیتی که به یک مشکل منجر می‌شود می‌تواند به مشکلات دیگر و موقعیت‌های مشکل‌آفرین دیگر نیز احاطه و وضعیت پیدا کند و فقر یکی از آنهاست» (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۸۷). اجتماعی بودن مسئله فقر به معنای انسانی بودن آن نیز هست و هر کجا اثری از انسان و سایه‌ای از کنش انسانی در میان بوده است، شناخت انسان نیز دیر یا زود به ضرورتی تبدیل شده تا سهم خود را در پاسخ‌گویی به مسائلی این‌چنین ایفا کند. نگاه زنجیروار به مسائل ما را متوجه این امر می‌کند که سرحلقه مسائل و پدیده‌های اجتماعی نهایتاً به انسان ختم می‌شود و حال در چنین شرایطی توسعه فقط می‌تواند در جایی که از آن ریشه گرفته است، در فرهنگ و سنت‌های انسانی همان جامعه، رشد کند زیرا توسعه و برون‌رفت از فقر فرایندی مرتبط با ارزش‌های انسانی جامعه است که هم بنیانگذار آن هستند و هم از آن منتفع می‌شوند. اما این در حالی است که در اکثر مواقع، ذی‌نفعان پدیده‌های اجتماعی و ذهنیت آنان نادیده انگاشته می‌شوند و برچسب منفعلانه به آنان زده می‌شود. این نوع نگاه در مورد فقر، که کاملاً جنبه اجتماعی و انسانی بودن آن آشکار است، به مسئله حادتری مبدل شده است. حال از آن جایی که نگاه سخت‌افزاری و مادی به فقرا و آن هم در حوزه‌های واقع در حواشی اقتصادی در کشورمان مرسوم‌تر است، بررسی نقش فرد و عناصر ذهنی و فرهنگی انعکاس‌یافته از وی در تثبیت فقر یا برون‌رفت از آن طرحی است که در آن می‌توان به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بود که فرد تا چه حد می‌تواند بانی و عامل دوام، یا در مقابل، عامل گریز از فقر باشد؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ Social problem

اهمیت موضوع

تلاش برای برون‌رفت از فقر و در کنار آن، کوشش برای توسعه و پیشرفت، موضوع غالب نشست‌های علمی، مجلات، کتاب‌ها و... در چند دههٔ اخیر است و در این میان کشورهای جهان سوم اغلب چنین مباحثی را به خود اختصاص داده‌اند. اهمیت توجه به فقر از آنجا ناشی می‌شود که فقر آرزوها، امیدها و شادی‌ها را می‌کشد و انرژی زیادی را مصروف بازتولید خود می‌کند.

اما در بحبوحهٔ این مباحث، نزاع ذهن و عین، یا به عبارتی امروزی‌تر، فرهنگ-تکنولوژی جهت به فرجام رسیدن کوشش‌های رفع فقر، بیش از هر چیزی نمایان است. در سال‌های اخیر، این نزاع به نفع ذهن و فرهنگ، به‌عنوان عنصر محرک و پیش‌برندهٔ فرد و جامعه، دگرگون شده است. به گونه‌ای که در ادبیات علمی امروز، به نقش باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها به‌عنوان تسهیل‌کننده و تسریع‌بخش توسعه توجه بسیاری شده است (فاضلی، ۱۳۸۵). روند غلبهٔ عناصر ذهنی بر عناصر عینی در ارتباط با سیطرهٔ فقر و غنا نیز به نظریهٔ مسلط چند دههٔ اخیر مبدل گردیده است. بر طبق روال جاری ادبیات امروز، ارزش‌های ابزاری برای توسعهٔ اقتصادی و رفع فقر مفیدند، ولی آنچه در جهت توسعهٔ پایدار اقتصادی و کاهش فقر بر آن تأکید می‌شود ارزش‌های ذاتی هر فرهنگ است (هریسون و هانتینگتون، ۱۳۸۸). «کلیفورد گریتز^۱ بر فرهنگ به‌عنوان "توصیفی کلان" تأکید دارد و از آن برای بیان کلی حیات یک جامعه شامل ارزش‌ها، عملکردها و نهادها و روابط انسانی آن استفاده می‌کند» (همان: ۲۹).

باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، که کالبد فرهنگ را سامان می‌بخشند، برخلاف عناصر مادی در درون فرد و در طول زمان بسیار شکل گرفته‌اند و درک و فهم آن دشوار و تغییر آن دشوارتر است. «از خصوصیات فرهنگ الگودار بودن آن است. یعنی اینکه اعمال انسان از رفتارهای خرد و حرکات کوچک‌تر تشکیل شده است که از ترکیب آن‌ها مدل و نمونه‌ای پدید می‌آید... تمایل به هماهنگی و ساختن قالب‌های الگویی در فرهنگ بسیار قوی است و انسان پیوسته تحت فشار است تا رفتارش را با الگوهای موجود هماهنگ سازد و این هماهنگی در بافت فرهنگی قابل مشاهده است» (محمدی، ۱۳۷۳: ۳۰۴) «هر فرهنگی در داخل خود سازوکارهایی مختلف دارد که تغییر را در جهتی تسهیل می‌کند یا در مقابل آن موانعی

^۱ Clifford greetz

به وجود می‌آورد» (یونسکو، ۱۳۷۶: ۲۹). حال اگر ترکیب این الگوی فرهنگی به نحوی باشد که افراد تحت پوشش خود را پویا و متناسب بهبودخواهی و آرمان‌خواهی به بار آورد، می‌تواند تسهیل‌کننده برون‌رفت از فقر باشد و در غیر این صورت مانع رفع فقر می‌شود. اما الگوهای فرهنگی متنوع‌اند. «در یک طرف الگوهای قرار دارند که به آسانی قابل مشاهده و تعمیم‌اند، همچون غذا خوردن، لباس پوشیدن، خانه ساختن، همچنین آداب و رسوم، مراسم، اعیاد و... و در طرف دیگر، الگوهای قرار دارند که به آسانی قابل مشاهده نیستند» (همان: ۳۰۵). این الگوها را الگوهای خاموش می‌نامند که درک آن حتی برای انسان‌شناس و جامعه‌شناس با دشواری‌های زیادی همراه است. این الگوهای فرهنگی خاموش، که در رفتار و تفکر افراد پنهان‌اند، دارای کارکردهای پنهانی هستند که افراد تأثیر این الگوها را بر زندگی‌شان تشخیص نمی‌دهند و در نتیجه با آن‌ها خود می‌گیرند و هرگز زیر سؤال برده نمی‌شوند. ادامه الگوهای فرهنگی خاموش در طول زمان باعث می‌شود، حتی اگر جامعه یا اجتماعی خواستار بهبود وضع خود شود، به این امر آگاه نباشد که رفتار کنونی‌اش برخلاف خواسته‌هایش است. در چنین شرایطی است که الگوهای فرهنگی خاموش می‌تواند عاملی در تثبیت وضع موجود فرد یا جامعه شود و اگر فرد یا جامعه در شرایط نامطلوب و فقر به سر برد، جایگاه زندگی فقیرانه را برای او تثبیت کند. فرهنگ فقر الگویی خاموش در بازتولید فقر است.

با علم به اینکه گرایش و رانش به سمت تطابق با الگوهای فرهنگی خاموش در میان اجتماعات سنتی و محلی قوی‌تر است، به نظر می‌رسد اتخاذ زاویه‌ای جدید در بررسی فقر در اجتماعات سنتی و با ساختار شکنی پارادایم‌های مطالعات فقرشناسی ضروری باشد.

چارچوب نظری

به موازات رشد نظریات جامعه‌شناسی، علاقه به قضیه پیوند سطوح خرد و کلان نیز فزونی گرفته است. هم‌اکنون پرداختن به این تلفیق به آزمون سخت نظریه عام اجتماعی و مسئله کانونی در جامعه‌شناسی مبدل گردیده است (ریترز، ۱۳۸۷). در دیدگاه تلفیقی اعتقاد بر این است که صحیح نیست بگوییم ساختار کنش را تعیین می‌کند یا برعکس. به زعم این نوع بینش «انسان‌ها تاریخشان را می‌سازند، ولی نه آن‌چنان که خودشان دوست دارند، آن‌ها تاریخ را

تحت شرایط دلخواهشان نمی‌سازند، بلکه تحت شرایطی این کار را انجام می‌دهند که مستقیماً در برابر آن‌ها وجود داشته و از گذشته به آن‌ها انتقال یافته است» (مارکس به نقل از ریتزر، ۱۳۸۷). کوشش‌های علمی آنتونی گیدنز (۱۹۷۶) در پیوند عاملیت و ساختار، مارگارت آرچر (۱۹۸۲) در تلفیق فرهنگ و عاملیت و پیر بوردیو (۱۹۸۹) در زمینه ساختمان ذهنی و زمینه از شناخته‌شده‌ترین تلاش‌های پیوند سطوح خرد و کلان در تعیین تاریخ فردی و جمعی است (ریتزر، ۱۳۸۷). اساس مشترک چنین دیدگاه‌های تلفیقی این است که کنش‌های اجتماعی محصول نیت و خواسته‌های فردی است، اما در عین حال در بستر شرایط تحمیل شده از بیرون به وقوع می‌پیوندد. در واقع تعیین‌کننده نهایی کنش و جایگاه فرد، نه فقط خود فرد (عاملیت)^۱ بلکه شرایط مقیدکننده بیرون (ساختار)^۲ هستند. به اعتقاد گیدنز، «ساختار همان میانجی یا واسطه عنصر انسانی عاملیت است... عاملیت میانجی ساختار است، ساختاری که افراد طبق روالی معمولی در جریان فعالیت‌های روزانه خود آن را بازتولید می‌کنند» (گیدنز به نقل از چاوشیان و اباذری، ۱۳۸۱: ۲۰).

این امر یادآور تأثیر فرد بر شرایط و تأثیرپذیری فرد از شرایط و تکرار این فرایند پیچیده و دوسویه است.



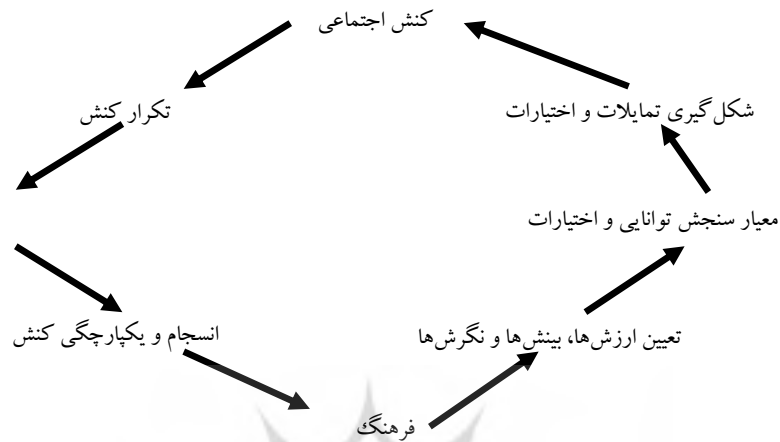
تلفیق سطوح خرد و کلان در رابطه با فرهنگ و کنش نیز مصداق پیدا می‌کند. «فرهنگ یک نیروی تعیین‌کننده، تحقق‌بخش، تسهیل‌کننده و توان‌دهنده است یا ممکن است بازدارنده، مقیدکننده یا مانع کنش باشد. از طرف دیگر، کنش نیز شکل‌گیری و تجدید شکل فرهنگ را موجب می‌شود که یک واقعیت ثابت خدادادی نیست و باید آن را به صورت یک محصول انباشته یا ته‌نشست شده کنش‌های فردی و جمعی قبلی دید» (زتومکا، ۱۳۸۷: ۱۳). شاید به قول مارگارت آرچر «نظام فرهنگی - اجتماعی تقدم منطقی بر کنش و کنش متقابل اجتماعی - فرهنگی دارد و بر این کنش تأثیر می‌گذارد، همچنان‌که تحت تأثیر آن نیز قرار می‌گیرد»

¹ Agency

² Structural

(ریترز، ۱۳۸۷: ۶۷۰). اما به هر حال، فرهنگ محصول کنش‌های عاملان انسانی نیز هست. در همین باره، پیر بوردیو نیز معتقد است که «ساختمان ذهنی هم جهان اجتماعی را تولید می‌کند و هم خودش تولیدشده جهان اجتماعی است» (همان: ۶۸۰). موضع بوردیو را می‌توان نفی اولویت ساختار یا کنش دانست (ریترز، ۱۳۸۷).

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد کنش عامل تعیین‌کننده نهایی در ظهور و ریختزایی فرهنگ است، همچنان‌که پس از شکل‌گیری و تسلط فرهنگ تعیین‌کننده کنش‌های آتی افراد است.



در دهه‌های اخیر، گسترش صنایع فرهنگی و توسعه، اهمیت یافتن نقش مردم، گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی و ناکام ماندن رویکردهای اقتصادگرا در امر توسعه باعث گسترش حیطه فرهنگ در تفاسیر پدیده‌های اجتماعی شده است؛ تا آنجا که اولف هانزر مدعی است که فرهنگ در همه جا حضور دارد (هانزر، ۱۹۹۳ به نقل از زتومکا، ۱۳۸۷) و دیوید لاندس^۱ فرهنگ را ریشه همه تفاوت‌ها می‌داند (لاندس، ۱۹۹۸). در این میان نیز تعابیر و تفاسیر نرم‌افزاری با رویکردی فرهنگی به فقر، به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، گسترش روزافزونی داشته است. در تفکر جامعه‌شناختی شاهد کاهش نفوذ نسبتاً گسترده تصویرهای سازمان‌گرایانه و سخت‌درمورد پدیده فقر و افزایش بازگشت به قلمرو فرهنگی و نامحسوس و غیرقابل محاسبه و ذهنی مسئله اجتماعی فقر هستیم. در تعاریف فرهنگ، عناصری مانند اعتقادات، عادات،

^۱ David Londes

خصوصیات گروه‌های انسانی، راه و روش زندگی، دستاوردهای انسانی، آرزوها و خواستها و... فراوان به چشم می‌خورد. آنچه در مورد ارتباط فقر و فرهنگ مورد توجه است این است که فقر بر تمامی عناصر مذکور تأثیر بسیار می‌گذارد و آن را به صورت الگوهای قالبی درمی‌آورد که دستاوردهای حاصل از آن به بازتولید فقر منجر می‌شود. چنین تعبیری یادآور یکی از مجادله‌برانگیزترین مفاهیم در تاریخ مطالعات فقرشناسی است که اولین بار بوکر واشنگتن آن را به کار گرفت، اما اسکار لوئیس به تشریح کامل آن پرداخته است. از نظر اسکار لوئیس، فرهنگ فقر سندرم خاصی است که در برخی شرایط اجتماعی خاص رشد می‌کند و تجسم مجموعه مشترک ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای متفاوت با فرهنگ عمومی جامعه است (لوئیس، ۱۳۵۳: ۱۲۵). از آنجا که ویژگی‌های ترکیب فرهنگی به شدت ناپیدا هستند، اغلب به واسطه ارجاع به اصطلاحات استعاره‌ای چون خلق و خوی اجتماعی معرفی می‌شود. به تعبیر لوئیس، فقرا شیوه زندگی و خلق و خوی خاص خود را دارند که گریز از فقر را برای آنان مقدور نمی‌سازد. فقر فقط محرومیت اقتصادی نیست بلکه شیوه‌ای از تفکر را در فرد فقیر می‌پروراند که به هنجارهایی منجر می‌شود که خصلت سازگاری با شرایط موجود را در فرد شکل می‌دهد (همان). در چنین شرایطی الگوی مصرف اشتباه اصلاح نمی‌شود، تفکرهای پس‌برنده تغییر نمی‌یابد، افراد درون‌گرا می‌شوند و ارتباط اجتماعی و مشارکت افراد کاسته می‌شود، در چنین حالتی آینده‌نگری نیز جای خود را گم می‌کند. بدین ترتیب، منش فقر پس از مدتی در جامعه حاکم می‌شود. این منش در حقیقت سازگاری‌هایی است که افراد جامعه با شرایط فقیرانه خود پیدا کرده‌اند. این سازگاری‌های ایجادشده به مرور زمان به صورت قالب‌های رفتاری بروز پیدا می‌کند و فرهنگ فقر را می‌سازد. شیلر^۱ این چشم‌انداز تبیین فرهنگی فقر را تحت عنوان «منش ناقص» معرفی می‌کند. از این منظر، فقر نتیجه نوع خاصی از رفتار در افراد فقیر است که از الگوی خاص رفتاری، انگیزشی و ارزشی برخوردارند که در جهت تخلیه انگیزه و اخلاق کار سوق داده می‌شوند (شیلر، ۱۹۸۰) فقرا برای رهایی از فقر باید در جهت تغییر رفتار و ارزش‌هایشان آموزش ببینند، چون الگوی رفتاری و ارزشی آن‌ها از طریق نسل‌ها به وسیله جامعه‌پذیری درونی شده است (افروغ، ۱۳۷۶: ۲۳۲).

^۱ Schiller

در حقیقت، وقتی خانواده‌ای فقیر خود را با فقر درگیر می‌یابد، ناچار است که نوع زندگی خود را تا حد زیادی با شرایط فقر هماهنگ کند. این هماهنگی به مرور زمان به صورت عرف و عادت درمی‌آید و فرهنگ متناسب با فقر را شکل می‌دهد و سپس همین فرهنگ مبنای کنش‌های بعدی فرد فقیر قرار می‌گیرد. نکته‌ی حائز اهمیت این است که فرد فقیر خود از گرفتار شدن در مرداب فرهنگ فقر آگاهی ندارد و این افراد که تحت سیطره فقر قرار دارند، نوعی بی‌تفاوتی را در زندگی خود تجربه می‌کنند. فقرا فقر خود را به صورت خودآگاهانه ستایش نمی‌کنند، بلکه به صورت ناآگاهانه آن را حفظ می‌کنند. از نظر لوئیس، فرهنگ فقر به مرور زمان بر جامعه حاکم می‌شود و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و در صورتی که در جامعه و ذهنیت افراد ساکن در آن ریشه بدواند حتی پس از کسب موفقیت‌های بیرونی در جهت رفع فقر مدت‌ها به حیات خود ادامه می‌دهد. به عبارتی، پس از گذر از فقر و بهبود وضع مالی خانواده، افرادی که در فقر زندگی کرده‌اند و با خلق و خوی جامعه فقیرانه انس گرفته‌اند، به راحتی و به آسانی تغییر رویه نمی‌دهند (لوئیس، ۱۳۵۳: ۱۲۶). گالبرایت^۱ همین مبحث را عنوان "تعادل فقر" نام می‌برد و مدعی است که «اگر مسئله‌ای موجب شود زندگی مردم فراتر از یک سطح برود نیروهایی وجود دارند که وارد عمل شده و مردم را به سطح محرومیشان باز می‌گردانند، افزایش و بهبود سطح درآمد در روستاها یک امر طبیعی به شمار نمی‌آید. این پدیده همچنان ناشناخته مانده است» (گالبرایت، ۱۳۶۹: ۵۴). نیرویی که به زعم گالبرایت منجر به محرومیت مجدد فقرا، حتی به هنگام افزایش درآمد آنان می‌شود، تمایل به مصرف درآمدهایی است که بدون آنکه در کسب آن دخیل باشند، بین آن‌ها توزیع شده است. فقرا افزایش درآمد خود را، هنگامی که این درآمد از منبع بیرونی بین آن‌ها توزیع شده باشد، با مصرف بیشتر خنثی می‌کنند و با خنثی کردن درآمد بیرونی به حالت فقر قبلی باز می‌گردند.

اگرچه نظریه فرهنگ فقر لوئیس عمدتاً در کتاب *فرزندان سانچز* (۱۹۶۱) انعکاس یافته که حالت رمان گونه و توصیفی دارد، اما به اعتقاد لوئیس، فرهنگ فقر، فرهنگ جدیدی است که در نتیجه برخی تحولات در نظام سرمایه‌داری و توسعه جوامع شهرنشین به وجود آمده است. فرهنگ فقرا از یک طرف از عدم برخورداری از امکانات و زیستن در شرایط فقیرانه

^۱ Galbraith

بوده و از سوی دیگر، محصول زندگی در جوار - و نه در درون - فضایی است که شما در آن شرایط، زندگی مرفه را هم می‌بینید (لوئیس به نقل از فاضلی، ۱۳۸۵). از نظریات لوئیس استنباط می‌شود که وی دارندگان چنین فرهنگی را، محصور در دنیای خود می‌داند. عدم برخورداری از امکانات و محدودیت ارتباط با گروه‌های غیرهمگن، بستری را فراهم می‌کند که در آن زمینه آگاهی و حتی اعتماد به وجود شرایط بهتر را نه تنها سرکوب می‌کند، بلکه آن‌ها را در نوعی خلسه و بی‌تفاوتی به تغییر شرایط موجود فرو می‌برد. در واقع، در ادبیات فرهنگ فقر، کمبود امکانات و شکل‌گیری فضای ارتباطی مشترک برای فقرا و نیز ارتباط و آگاهی حداقلی با دنیای پیرامون، زمینه بروز هرچه بیشتر فرهنگ فقر را فراهم می‌کند (همان). بنابراین، به نظر می‌رسد ارتباط محدود با دنیای اطلاعات به همراه انحصار در چارچوب اطلاعات فرهنگ قومی، در تشدید فرهنگ فقر مؤثر واقع شود. جرج. م. فاستر^۱ نیز شکلی از فرهنگ فقر لوئیس را به نحوی دیگر و با عنوان «نظریه خیر محدود» - اعتقاد دهقانان به محدودیت خیر و منابع مطلوب زندگی - مطرح کرده و وجود این نوع اعتقاد را عمدتاً مختص به جوامع روستایی می‌داند که در آن‌ها نظام بسته‌تر و هم‌شکل‌تر است (فاستر به نقل از فرهادی، ۱۳۸۸).

مرور پژوهش‌های پیشین

گفتنی است تحقیقات اندکی، به صورت مستقیم، مسئله فرهنگ فقر را مورد توجه قرار داده‌اند. با وجود این نقصان، برخی از نتایج تحقیقات صورت گرفته درباره موضوع مذکور ارائه می‌گردد:

در بررسی‌ای که به روش پیمایشی به کوشش نوابخش، سرایی و گنجی درباره فقر و میزان رعایت قانون در بین حاشیه‌نشینان آخمقیه تبریز صورت گرفته است، فرهنگ فقر بسترهای مناسبی را برای قانون‌گریزی فراهم آورده و بین این دو متغیر همبستگی معناداری مشاهده شده است. از این پژوهش برمی‌آید که فرهنگ فقر، به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل مورد بررسی، فرد را در موقعیت‌های هدف‌یابی و توجیه رفتار هدایت می‌کند تا با رفتارهای غیرهنجاری عمل کند (نوابخش و دیگران، ۱۳۸۷).

¹ George.M.foster

همچنین نتایج تحقیقی مشابه که به کوشش رسول ربانی و همکارانش در سال ۱۳۸۵ در بین حاشیه‌نشینان شهر اهواز انجام گرفته است، حاکی از شکل‌گیری نوعی محرومیت‌های اقتصادی و فرهنگی و در نتیجه شدت وجود فرهنگ فقر در بین جامعه مذکور است. محققان علت اصلی چنین خصایصی را مهاجرت‌های صورت گرفته ناشی از دافعه‌های اقتصادی به حواشی این شهر می‌دانند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵).

بررسی ارتباط فرهنگ فقر و رفتارهای بزه‌کارانه در بین حاشیه‌نشینان ده پیاله شیراز موضوع پژوهشی است که حبیب احمدی و محمدتقی ایمان در سال ۱۳۸۳ انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش بیانگر وجود رابطه معناداری بین رفتارهای بزه‌کارانه با فرهنگ فقر است. این پژوهش ویژگی‌های خاص روانی، فرهنگی و اجتماعی کسانی را که فرهنگ فقر را تجربه می‌کنند با بزه‌کاری جوانان مرتبط می‌داند (احمدی و ایمان، ۱۳۸۳).

اما یکی از جامع‌ترین پژوهش‌ها را در این زمینه جرج ام. فاستر صورت داده است. فاستر در میان مردم «ترین تزون تزان»^۱ مکزیک به تحقیقات میدانی دست می‌زند که نتیجه آن اعلام وجود «انگاره محدودیت مطلوب‌ها» در میان دهقانان و کشاورزان این منطقه روستایی از سوی فاستر است که با ایجاد اعتقاد به محدودیت منابع و ناتوانی روستاییان در برخورد با این محدودیت‌ها، روستاییان را خلع سلاح و ناتوان کرده است (فاستر به نقل از فرهادی، ۱۳۸۸). اگرچه تحقیقات اندک صورت گرفته در ایران در باب با فرهنگ فقر حول محور حاشیه‌نشینی در شهرها می‌چرخد، تحقیقات فاستر گستره وسیع‌تر چنین پدیده‌ای را نشان می‌دهد.

فرضیه‌های تحقیق

همچنان که فور^۲ می‌گوید، «وقتی کسی نمی‌داند که به دنبال چیست، از یافته‌های خود نیز سر در نخواهد آورد» (دواس، ۱۳۸۷: ۳۱). این پژوهش نیز با استناد به چرخش زاویه تحلیل‌های سخت‌افزاری از فقر به سمت تحلیل‌های نرم فرهنگی، که به معنای تفویض فرضیات عمدتاً اقتصادی به فرضیات فرهنگی است، سعی در تبیین یافته‌هایی مبنی بر عوامل مرتبط با فرهنگ

^۱ Tzintnuntzan

^۲ Febr

فقر از طریق پاسخ‌گویی به چندین فرضیه بنیادی و غالباً فراموش شده در ادبیات فقرشناسی دارد. این فرضیات عبارت‌اند از:

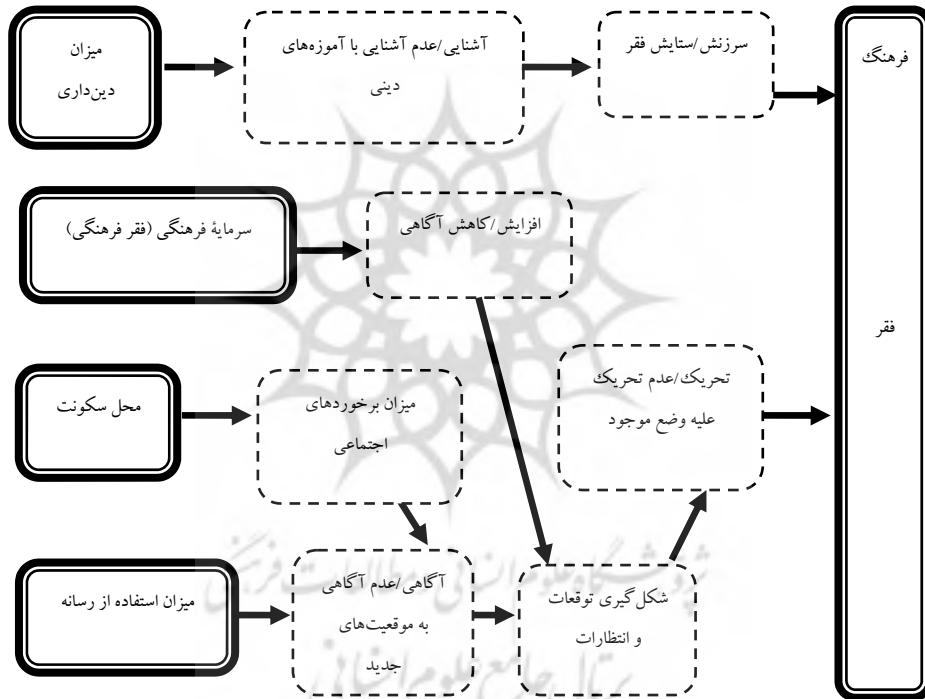
فرضیه اول: بین میزان دین‌داری و میزان فرهنگ فقر همبستگی معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که آموزه‌های دینی می‌توانند منجر به سرزنش یا ستایش فقر شوند و در نتیجه بر میزان فرهنگ فقر اثرگذار باشند.

فرضیه دوم: بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ فقر همبستگی معناداری وجود دارد. بدین صورت که با افزایش سرمایه فرهنگی میزان فرهنگ فقر تقلیل می‌یابد.

فرضیه سوم: بین محل سکونت و فرهنگ فقر رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که روستاییان در مقایسه با شهری‌ها از فرهنگ فقر بیشتر رنج می‌برند.

فرضیه چهارم: بین میزان استفاده از رسانه‌ها و فرهنگ فقر همبستگی معناداری وجود دارد. بدین صورت که با افزایش استفاده از رسانه‌ها میزان فرهنگ فقر کاهش می‌یابد.

مدل پژوهش



روش پژوهش

با توجه به ماهیت اجتماعی تحقیق حاضر، که علاقه‌مند به جمع‌آوری داده‌ها برای جمعیتی است که نمی‌توان آن (داده‌ها) را به‌طور مستقیم مشاهده کرد، و نیز با عنایت به اینکه واحد تحلیل در تحقیق حاضر «فرد» است، روش پیمایش به‌عنوان مناسب‌ترین روش پژوهش در این تحقیق تشخیص داده شد. از تکنیک پرسش‌نامه نیز به‌عنوان یکی از تکنیک‌های گردآوری اطلاعات در روش پیمایشی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده گردیده است.

جمعیت آماری و حجم نمونه

جمعیت آماری این تحقیق، همان‌گونه که در عنوان آن ذکر گردید شهروندان شهرستان دلفان هستند. این شهرستان دارای قدمتی طولانی به لحاظ سکونت است، اما به لحاظ شهرنشینی قدمتی نه‌چندان طولانی دارد. ساکنان این شهرستان قریب به اتفاق از قوم لک و بومی منطقه می‌باشند که دارای نظامی طایفه‌ای و سنتی است. این شهرستان به لحاظ اقتصادی در حاشیه قرار دارد که تبعاً بروز پدیده فقر را در آن ملموس کرده است. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت این شهرستان بالغ بر ۱۳۷۶۳۳ نفر است که ۵۶۵۳۰ نفر آنان ساکن شهر و ۸۱۱۰۳ نفر ساکن روستا هستند. با توجه به آماره زیر و با توجه به خطای مجاز ۰/۰۵ و همگنی بالای جامعه مورد مطالعه ($V_i=30$)، تعداد ۱۴۲ نفر به‌عنوان نمونه برآورد گردید (منصورفر، ۱۳۷۲: ۱۲۶).

تکنیک تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از اجرای پرسش‌نامه در میان نمونه مورد نظر، اطلاعات استخراج شده از پرسش‌نامه‌ها به‌وسیله محاسبات آماری و با آماره‌های مقتضی همچون کای اسکوتر^۱ و گاما^۲ و با کمک نرم‌افزار اسپاس پی اس^۳ به دست آمده است. اعتبار^۴ ابزار سنجش با استفاده از نظر کارشناسان

^۱ Chi squar

^۲ Gamma

^۳ Statistical Package for Social Science

^۴ Validity

و پایایی^۱ آن با کمک آماره آلفای کرونباخ اجرا شده است. میزان آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۷۰ بوده است که میزان قابل قبولی به نظر می‌رسد.

شاخص‌های فرهنگ فقر

ناگفته پیداست که مفهوم فرهنگ فقر سازه‌ای ذهنی است که ذهنی بودنش سنجش آن را بیش از هر مفهومی دشوار کرده است.

در تحقیق حاضر جهت سنجش فرهنگ فقر پنج شاخص اصلی به‌عنوان معرف‌های^۲ آن در پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساز مدنظر قرار گرفت و با لحاظ کردن مواردی از قبیل عدم تعدد سؤالات، طولانی نشدن پرسش‌نامه و لحاظ کردن تمام ابعاد فرهنگ فقر، ۱۵ سؤال و گویه طی جرح و تعدیل‌های بسیار و به‌ویژه با استفاده از پژوهش‌های آقایان رحمت‌الله صدیق سروستانی، مصطفی ازکیا، ناصر فکوهی و... در مورد خرده‌فرهنگ‌های جوامع روستایی^۳، جهت به حداکثر رساندن میزان اعتبار آن، به این امر اختصاص داده شد. این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

(۱) تقدیرگرایی^۴

تقدیرگرایی پذیرش بی‌چون و چرای وقایع و تسلیم در برابر آن‌هاست و دربرگیرنده این اندیشه است که کنترل این وقایع از حیثه تسلط و اختیار آدمی خارج است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۶۳). این مفهوم از جمله مفاهیمی است که عمدتاً در فرهنگ جوامع جهان سوم، مخصوصاً جوامع دهقانی، وجود دارد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۲۹).

^۱ Reliability

^۲ indicators

^۳ در واقع، این شاخص‌ها بر اساس نظریه‌های مطرح‌شده در ادبیات فرهنگ فقر و خصوصاً نظریه فرهنگ فقر اسکار لوئیس و نیز براساس مطالعات پودامنه و زمان بر نگارنده مقاله درباره موضوع مورد بررسی استخراج شده است. ضمن اینکه از سنج‌های معتبر در تحقیقات پیشین (با وجود کمبود منابع در این زمینه) بهره گرفته شده است. عناوین مقالات این اندیشمندان در فهرست آمده است.

^۴ Fatalism

۲) مصرف‌گرایی و عدم تمایل به پس‌انداز

«رابطه ما با پدیده‌های فرهنگ توده‌ای مانند کالاهای مصرفی... هم در زندگی روزمره ما واجد اهمیت است و هم برای فهم جامعه معاصر. بررسی اندیشمندان از منظر مطالعات فرهنگی حاکی از آن است که فرهنگ عامه از هر حیث پدیده‌ای خاص است» (ریچاردز، ۱۳۸۸: ۲۶). این خاص‌بودگی در اینجا نیز معنی می‌دهد چرا که این مفهوم با مصرف‌گرایی به معنای رایج در میان پایگاه‌های اقتصادی بالا متفاوت است. منظور مصرف‌تام و سریع منابعی است که در اختیار فرد قرار می‌گیرد. این نوع مصرف‌گرایی عمدتاً صرف تأمین نیازهای خوراکی اما عمدتاً تکراری و پست می‌شود که غالباً از حد متعادل خود تجاوز می‌کند. نمونه بارز این نوع مصرف، استعمال مواد مخدری همچون تریاک است. چنین مصرفی نه تمایلی برای پس‌انداز باقی می‌گذارد و نه جایی برای آن.

۳) بیگانگی اجتماعی^۱

«بیگانگی که از آن به‌عنوان نوعی انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان افراد و جامعه (نهادهای و ساختارهای اجتماعی نظیر سیاست، خانواده، فرهنگ و...) نام می‌برند» (حسنی، ۱۳۸۴: ۱۴۹) یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرایند مشارکت اجتماعی است. بیگانگی اجتماعی خود منجر به فرصت‌سوزی‌های بسیاری برای فرد و جامعه می‌شود.

۴) عدم آینده‌نگری

آینده‌نگری نوعی تحلیل و تنظیم زمان جهت بهره‌گیری مطلوب از آن است و بهره‌گیری از این زمان نیز نیازمند توجه به منابع و محدودیت‌های گذشته، حال و آینده است. عدم توجه به زمان آینده با ذهنیت روزمرگی همراه می‌شود و در نتیجه منجر به غلتیدن فرد در ورطه مسائل آنی و جزئی می‌شود. دیوید لاندس توجه به زمان را "شاهد بی‌صدا" در نوع زندگی فرد می‌داند (لاندس، ۱۹۹۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ Social alienation

۵) عدم سرزنش فقر

این مضمون نقطه متضاد قناعت و ساده زیستن است. عدم سرزنش فقر با نیازمندی به دیگران و نادیده انگاشتن جنبه‌های منفی فقر ملازمت متقارنی دارد، حال آنکه قناعت دارای بار مثبت است که با روحیه وارستگی همراه است. در این پژوهش متغیر فرهنگ فقر در قالب ۱۵ معرف پنج ارزشی مورد سنجش قرار گرفته است. این معرف‌ها در پیوست مقاله آمده است.

نحوه سنجش متغیرهای مستقل

سرمایه فرهنگی: «سرمایه فرهنگی انواع گوناگون دانش مشروع را در برمی گیرد» (بوردیو به نقل از ریتزر، ۱۳۸۷: ۶۸۳) در این پژوهش شکل عینی دانش همچون میزان بهره‌مندی از کتاب‌ها، مجلات، مقالات و... و شکل نهادی شده آن همچون مدارک تحصیلی و نهایتاً شکل خصایص فکری همچون تمایل به مراجعه به سینما، موزه و... به عنوان سنجش‌های سرمایه فرهنگی مورد سؤال قرار گرفت.

میزان دین‌داری: جهت سنجش میزان دین‌داری از سه بعد رفتاری، اعتقادی و شناختی بهره گرفته شد. در بعد رفتاری میزان عمل فرد به دستورات شرعی و دینی مانند خواندن نماز، روزه گرفتن و... در بعد اعتقادی میزان باور به آموزه‌های دینی همچون روز قیامت، نزول وحی بر پیامبر و... و در بعد شناختی میزان آگاهی فرد از موازین شرعی و دینی مورد سؤال قرار گرفت.

میزان استفاده از رسانه: استفاده از رسانه عبارت است از «استفاده از ابزارهای رایانه‌ای، مخابراتی و مطبوعاتی برای گردآوری اطلاعات اعم از صوت، تصویر، متن و عدد» (امیری، ۱۳۸۹: ۴۴). بنابراین، تعریف ساعات استفاده هفتگی از رسانه‌هایی همچون تلویزیون، اینترنت، ماهواره، روزنامه و مجلات جهت سنجش این متغیر مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های توصیفی ۶۱ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۳۹ درصد زن بوده‌اند. در حالت کلی، ۸۰ درصد پاسخ‌گویان تحصیلات دانشگاهی نداشتند و ۲۰ درصد مابقی دارای تحصیلات

عالی (فوق دیپلم و بالاتر) بوده‌اند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که ۳۳ درصد از پاسخ‌گویان در رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۴۵ درصد در رده سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و ۲۲ درصد در رده سنی ۴۰ سال به بالا قرار داشته‌اند.

در مورد متغیر وابسته نیز خروجی‌ها نشان می‌دهند که از میان ۱۴۲ پاسخگوی این تحقیق ۲۹ پاسخگو معادل ۲۰/۴ درصد از سطح کمی از فرهنگ فقر برخوردارند و این در حالی است که ۹۹ نفر معادل ۶۹/۷ درصد به میزان متوسط و ۱۴ نفر معادل ۹/۹ درصد به میزان زیادی از فرهنگ فقر رنج می‌برند.

اما در بخش یافته‌های استنباطی، نتایج آزمون گاما نشان می‌دهد بین دو متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی با میزان فرهنگ فقر همبستگی معناداری^۱ وجود ندارد. بدین ترتیب، فرضیه خنثی^۲ (H0) تأیید و فرضیه تحقیق (H1) مبنی بر وجود همبستگی بین این دو متغیر رد می‌شود.

جدول ۱. جدول دوبعدی همبستگی بین میزان استفاده از رسانه و میزان فرهنگ فقر

میزان استفاده از رسانه		فرهنگ فقر		
		کم	متوسط	زیاد
جمع	کم	۱۵ ٪۱۸/۸	۱۰ ٪۱۸/۵	۴ ٪۵/۰
	متوسط	۵۵ ٪۶۸/۸	۴۰ ٪۷۴/۱	۴ ٪۵/۰
	زیاد	۱۰ ٪۱۲/۵	۴ ٪۷/۴	۰ ٪۰

^۱ گاه ممکن است بین دو متغیر همبستگی مشاهده شود، اما معنادار نباشد. برای نمونه تفسیر جدول دوبعدی ۱-۱ ممکن است حاکی از وجود همبستگی بین این دو متغیر باشد، اما این لزوماً به معنای معنادار بودن نیست. اصولاً معنادار بودن همبستگی به معنای این است که نتایج به دست آمده از همبستگی بین دو متغیر در نمونه قابل تعمیم به جامعه آماری است که از طریق آزمون‌های آماری مشخص می‌شود.

^۲ منظور از فرضیه خنثی، فرضیه‌ای است که حکم به عدم همبستگی دارد. این فرضیه با H0 نشان داده می‌شود.

بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر و عوامل مرتبط با آن

۱۴۲	۸	۵۴	۸۰	جمع
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	
سطح معناداری = ۰/۱۶				مقدار گاما = ۰/۲۲

نتایج آزمون گاما نشان می‌دهد که بین دو متغیر سرمایه فرهنگی با میزان فرهنگ فقر همبستگی معناداری با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. مقدار گاما به میزان ۰/۷۸- حاکی از آن است که همبستگی بین این دو متغیر معکوس و قوی است. بدین ترتیب که هرچه سرمایه فرهنگی فرد بیشتر باشد، میزان فرهنگ فقر با شدت زیادی کاهش می‌یابد. جدول ۲ گویای وجود چنین همبستگی است.

جدول ۲. جدول دوبعدی همبستگی بین میزان سرمایه فرهنگی با میزان فرهنگ فقر

میزان سرمایه فرهنگی		فرهنگ فقر	
کم	متوسط	زیاد	جمع
۲	۱۴	۱۳	۲۹
%۳/۲	%۲۵	%۵۶/۵	%۲۰/۴
۴۹	۴۰	۱۰	۹۹
%۷۷/۸	%۷۱/۴	%۴۳/۵	%۶۹/۷
۱۲	۲	۰	۱۴
%۱۹	%۳/۶	%۰	%۹/۹
۶۳	۵۶	۲۳	۱۴۲
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰
مقدار گاما = ۰/۷۸-		سطح معناداری = ۰/۰۰	

نتایج تبیینی پژوهش حاضر با کمک آزمون گاما همچنین حاکی از وجود همبستگی معنادار بین دو متغیر میزان دین‌داری با فرهنگ فقر در سطح ۹۹ درصد اطمینان است. مقدار گاما که برابر با ۰/۵۰- است نیز نشان می‌دهد نوع همبستگی بین این دو متغیر معکوس و شدت همبستگی متوسط است. به عبارتی، هرچه میزان دین‌داری فرد کاهش یابد، میزان فرهنگ فقر

با شدت متوسطی افزایش می‌یابد و بالعکس. جدول زیر گویای وجود چنین همبستگی بین دو متغیر مذکور است.

جدول ۳. جدول دو بعدی همبستگی بین میزان دین‌داری با فرهنگ فقر

میزان دین‌داری		متوسط	کم	جمع
فقر	زیاد			
کم	۲۴	۳	۲	۲۹ ٪۲۰/۴
متوسط	۶۱	۳۴	۴	۹۹ ٪۶۹/۷
زیاد	۴	۹	۱	۱۴ ٪۹/۹
جمع	۸۹	۴۶	۷	۱۴۲ ٪۱۰۰
سطح معناداری = ۰/۰۰				مقدار گاما = ۰/۵۰

نتایج مستخرج از آزمون خی دو یا همان کای اسکوئر نشان می‌دهد بین دو متغیر محل سکونت با فرهنگ فقر رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. بدین ترتیب که ساکنان روستاها نسبت به ساکنان شهر از میزان فرهنگ فقر بیشتری برخوردارند. مقدار وی کرامر به میزان ۴۳. نیز نشان از وجود رابطه متوسط بین این دو متغیر دارد. جدولی که در زیر آمده است به صورت بهتری گویای وجود رابطه بین این دو متغیر است.

جدول ۴. جدول دوبعدی رابطه بین محل سکونت با فرهنگ فقر

محل سکونت		شهر	جمع
روستا	فقر		
۶	۲۳	۲۹	۲۹ ٪۲۰/۴
۶۵	۳۴	۹۹	۹۹ ٪۶۹/۷
۷۱	۵۸	۱۲۹	۱۲۹ ٪۱۰۰
متوسط		۷۷	۱۲۹ ٪۱۰۰

۱۴	۱	۱۳	زیاد
%۹/۹	%۱/۷	%۱۵/۵	
۱۴۲	۵۸	۸۴	جمع
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	
سطح معناداری = ۰/۰۰			مقدار کرامر = ۰/۴۳

تحلیل رگرسیون

جهت تحلیل و بررسی اثر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چندگانه بهره گرفته شده است. در تحلیل رگرسیون، ضریب تبیین نشان می‌دهد که تغییرات متغیر وابسته تا چه حد توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. در تحقیق حاضر این مقدار برابر با ۰/۳۲ است. این مقدار نشان می‌دهد که واریانس متغیر وابسته (فرهنگ فقر) به میزان ۰/۳۲ توسط واریانس متغیرهای مستقل (میزان سرمایه فرهنگی، محل سکونت و میزان دین‌داری) تبیین می‌شود. به عبارتی ساده‌تر، می‌توان گفت که در مجموع متغیرهای مستقل به میزان ۰/۳۲، تحقق متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کنند. اما در تحلیل رگرسیون علاوه بر ضریب تبیین، مقدار بتا نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. مقدار این ضریب نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد انحراف معیار در هر یک از متغیرهای مستقل، متغیر وابسته فرهنگ فقر به چه میزان تغییر می‌کند. میزان بتا برای متغیرهای مستقل در این تحقیق در جدول زیر درج شده است.

جدول ۵. مقدار بتا

سطح معناداری	مقدار بتا	آماره‌ها متغیرهای مستقل
۰/۰۰	-۰/۴۲	میزان سرمایه فرهنگی
۰/۰۱	-۰/۱۹	محل سکونت
۰/۱۱	-۰/۱۳	میزان دین‌داری

همان‌طوری که مشاهده می‌شود، با توجه به مقدار بتا، سرمایه فرهنگی با بتای ۰/۴۲- بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد و پس از آن محل سکونت با بتای ۰/۱۹- و نهایتاً میزان دین‌داری با بتای ۰/۱۳- مراتب بعدی تأثیرگذاری بر متغیر وابسته را دارند. نهایتاً اینکه متغیر میزان دین‌داری با کنترل سایر متغیرها تأثیری بر متغیر فرهنگ فقر ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی فرهنگ گرایانه و نرم‌افزاری مسئله فقر در پژوهش حاضر نشان داد که در کنار عوامل بیرونی، تشریح چستی و چگونگی فقر نیازمند توجه به عوامل درونی و ارزش‌های منشعب از فقر نیز هست. بدین ترتیب نتایج نشان داد:

بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ فقر همبستگی معنادار و معکوسی وجود دارد. بدین ترتیب که با افزایش سرمایه فرهنگی از میزان فرهنگ فقر کاسته می‌شود. در واقع، این امر نشان داد که فقر فرهنگی نه علت اما عامل مؤثری برای شکل‌گیری فرهنگ فقر است، همچنان که بین میزان دین‌داری و فرهنگ فقر همبستگی معنادار و معکوسی وجود دارد. بدین صورت که افراد با میزان دین‌داری کمتر از فرهنگ فقر بیشتری رنج می‌برند. و نهایتاً اینکه رابطه محل سکونت با میزان فرهنگ فقر معنادار است. این رابطه معنادار بین این دو متغیر نشان داد که روستاییان نسبت به ساکنان شهر از سطح فرهنگ فقر بیشتری برخوردارند.

شاید نتوان انکار کرد که ارزش‌های یکسان در شرایط متفاوت نتایج و پیامدهای متفاوت را به دنبال دارد، اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، ارزش‌های کلیدی چون سرمایه فرهنگی و میزان دین‌داری و متغیری چون محل سکونت افراد، در هر فرهنگی می‌تواند نتیجه کم و بیش یکسانی چون شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری فرهنگ فقر داشته باشد. به نظر می‌رسد میزان سرمایه فرهنگی فرد، میزان آگاهی افراد را از اجتماع، جامعه و جهان پیرامونش مشخص می‌کند. این آگاهی‌ها به توقعات و انتظارات فرد شکل می‌دهد و در نتیجه منجر به تحرک و یا عدم تحرک وی در برابر وضع موجود می‌شود. در نتیجه افرادی که از سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردار باشند، میزان فرهنگ فقر کمتری دارند. سازوکار تأثیرگذاری محل سکونت بر فرهنگ فقر نیز به نحوی است که به دلیل بالا بودن میزان برخورداری اجتماعی که می‌تواند نشئت گرفته از افراد دیگر، رسانه‌ها یا هر عنصر دیگری باشد، منجر به شکل‌گیری سطوح

بالا تری از آگاهی در فرد از جهانی می شود که می تواند ترغیب کننده آن به تحریک و پذیرفتن شرایط نامناسب باشد و حال آنکه چنین سازوکاری برای روستاییان کمتر وجود دارد. اما از آن جا که هم شعائر دینی و هم شکل گیری فرهنگ نیازمند زمان بسیار است، دین می تواند زمینه های فرهنگی را در فرد پایه گذاری کند. بازخوانی شعائر دینی اسلام نشان می دهد که فقر در اسلام مذموم و ناپسند است که فراوانی آیات، احادیث و روایات در مذمت فقر دلیلی بر این مدعاست.^۱ نهایتاً اینکه اگر عناصر درونی موجود در فرد و اجتماع توانست افراد را پویا، نظم پذیر و مولد تربیت کند آن فرهنگ دست کم از فرهنگ فقر کمتری رنج خواهد برد و نتایج این تحقیق نشان داد در کسب این توانایی، متغیرهای سرمایه فرهنگی، میزان دین داری و محل سکونت اثر گذارند.

ناصحیح است که در ردیابی مسائلی چون فقر، سرچشمه آن را صرفاً در وجود افراد جستجو کنیم، چرا که این همان نحوه ای از برداشت در مسائل اجتماعی است که ویلیام رایان آن را «سرزنش کردن قربانی» تعبیر کرد (ریتزر، ۱۳۸۷)؛ تعبیری که در آن جامعه را از هرگونه عیب و نقص بری می داند و صرفاً بر این اعتقاد است که جامعه هر کاری را برای نجات فقرا انجام می دهد و این افراد هستند که مسئول فقر خود محسوب می شوند. اما واقعیت این است که مسئله اجتماعی فقر به لحاظ نفوذ رد پای بعد انسانی در آن، بررسی نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای انسانی را در شکل گیری و تداوم آن به امری ضروری مبدل کرده است. استدلال مطلق این پژوهش به هیچ وجه نگاه تک علتی و به تبع، نتایج تک علتی همانند نتایج شیلر نیست که اظهار داشت فقر نتیجه طبیعی نقصان های فردی در اشتیاق و انگیزه و اخلاق کار است (شیلر، ۱۹۸۰). اما استدلال این است که اگرچه یک طرف سیاست های اجتماعی به نفع فقر یا به تعبیر دیگر برنامه های فقر زدایی،^۲ کمک به افزایش دارایی و امکانات فقراست، همچنان که در این پژوهش استدلال شد، نیازمند مکمل قوی پرورش ارزش ها، نگرش ها و رفتارهای مردمی است که خود در محوریت مسئله فقر قرار دارند. به عبارتی، تلاش ها در جهت گریز از فقر باید در جهت تغییر در فرصت ها و امکانات به همراه تغییر نگرش ها و ارزش های فقرزا

^۱ فهرستی از آیات، احادیث و روایات که در متون دینی مختلف دین اسلام در مذمت فقر آمده است به عنوان شاهد ضمیمه پژوهش حاضر شده است.

^۲ Anti-poverty planing

باشد. به‌طور خلاصه آنکه این پژوهش فقرا را همچون قشری که دارای الگوی خاص رفتاری، انگیزشی و رفتاری می‌باشند معرفی کرد که باید در جهت تغییر این نوع بینش (فرهنگ فقر) آموزش ببینند؛ آموزشی که همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان داد در آموزه‌های دینی و دانشی یافت می‌شود.

منابع

- احمدی، حبیب و محمدتقی ایمان (۱۳۸۳) «فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزه‌کارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۹: ۹۹-۱۱۸.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷) «فرهنگ توسعه در ادبیات کرد»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۲: ۲۵-۴۲.
- افروغ، عماد (۱۳۷۶) فضا و نابرابری اجتماعی، مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه شهید مدرس.
- امیری، عبدالرضا و طاهر روشندل (۱۳۸۹) «دورنمای اثرات فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بر جرائم اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره بیست و دوم: ۸۸-۱۱۲.
- بی، ارل (۱۳۸۸) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.
- چاوشیان، حسن و یوسف اباذری (۱۳۸۱) «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰: ۳-۲۸.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۶) توسعه روستایی، اولویت‌بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی، قاسم (۱۳۸۴) «بررسی رابطه بیگانگی سیاسی- اجتماعی با مشارکت سیاسی- اجتماعی و امنیت ملی»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۵۰: ۱۲۹-۱۷۰.
- دواس، دی.ای (۱۳۸۷) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، هوشنگ نایی، تهران: نی.

- ربانی، رسول (۱۳۸۵) «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسئله حاشینه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۷: ۸۹-۱۱۴.
- ریترز، جورج (۱۳۸۷) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ریچاردز، بری (۱۳۸۸) روانکاوی فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، تهران: ثالث.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۱) مبانی رفاه اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۷) اعتماد، نظریه جامعه‌شناختی، تهران: شیرازه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- ساعی، علی (۱۳۸۲) آمار در علوم اجتماعی با کاربرد نرم‌افزار *Spss pc* در پژوهش‌های اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و موسی عنبری (۱۳۸۳) «باورهای خرده‌فرهنگی و مشارکت امدادی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴: ۱۱۵-۱۸۰.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۵) بررسی فرهنگ فقر، انجمن جامعه‌شناسی ایران، مندرج در سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران به آدرس: <http://www.isa.org.ir>
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۸) انسان‌شناسی یاریگری، تهران: ثالث.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴) «نگرش انسان‌شناختی بر پنداشت روستائیان از مشارکت سیاسی و چند عامل مؤثر بر آن در دو روستای نمونه گرمسار»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶: ۵۵-۸۴.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۶) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- گالبرایت، جان کنت (۱۳۶۹) ماهیت فقر عمومی، ترجمه سید محمدحسین عادل. تهران: اطلاعات.
- لوئیس، اسکار (۱۳۵۳) «فرهنگ فقر»، ترجمه مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴: ۷-۲۵.
- لوئیس، اسکار (۱۳۸۷) فرزندان سانچز، ترجمه حشمت کامرانی، تهران: هرمس.
- محمدی، بیوک (۱۳۷۳) «الگوهای فرهنگی خاموش»، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران: ۳۰۳-۳۱۲.

منصورفر، کریم (۱۳۷۲) «تعیین حجم نمونه»، *نامه علوم اجتماعی*، جلد ۲، شماره ۳: ۱۲۱-۱۴۰.
نوابخش، مهدی و دیگران (۱۳۸۷) «ارتباط فقر با میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال اول، شماره ۳: ۹۳-۱۲۲.

نهج البلاغه (۱۳۷۹) ترجمه محمد دشتی، قم: مشرقین.
هریسون، لارنس و ساموئل هانتینگتون (۱۳۸۸) *اهمیت فرهنگ*، ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، تهران: امیرکبیر.
یونسکو (۱۳۷۶) *فرهنگ و توسعه (رهیافت مردم‌شناختی توسعه)*، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سایت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به آدرس: <http://www.maarefquran.org>
Alcock, Pete (2006) *Understanding poverty*, London: Palgrave Macmillan.
Landes, David (1998) *The Wealth and Poverty of Nations*, New York: Norton.
Oorschot, Wim Van and other (2008) *Culture and Welfare State*, Print.
Britain by MPG books Ltd; bodmin; cornwall
Schiller, Bradley (1980) *The Economic of Poverty & Discrimination*, N. J.: Prentice Hall Inc.

پیوست ۱. - معرف‌های فرهنگ فقر (پاسخ‌ها در ۵ گزینه و از خیلی کم تا خیلی زیاد است) -
عبارت داخل پرانتز نیز بعد مربوط به گویه یا سؤال را نشان می‌دهد.
۱-۱- تا چه حد معتقدید که انسان نمی‌تواند سرنوشت خود را تغییر دهد؟ (تقدیرگرایی)
۱-۲- آیا شما معتقدید که نعمت‌های خداوند محدود است و دستیابی دیگران به آن موجب محرومیت و طرد شما از جامعه می‌شود؟ (بیگانگی اجتماعی)
۱-۳- شما تا چه حد با اطرافیان خود در ارتباط هستید؟ (بیگانگی اجتماعی)
۱-۴- آیا شما بر این عقیده هستید که زمان حال بسیار مهم‌تر از آینده است؟ (آینده‌نگری)
۱-۵- شما تا چه حد پولی که دارید سریع مصرف می‌کنید؟ (مصرف‌گرایی و تمایل به پس‌انداز)

- ۱-۶- آیا فقیرانه زندگی کردن چیز ناپسندی است؟ (سرزنش فقر)
- ۱-۷- آیا از اینکه روزی به هر دلیلی در آمدتان قطع شود، نگران هستید؟ (آینده‌نگری)
- ۱-۸- آیا شما به این راضی می‌شوید که درآمدی در حد بخور نمیر ولی تضمینی داشته باشید؟ (آینده‌نگری)
- ۱-۹- شما تا چه حد سعی می‌کنید پول‌هایتان را در صورت امکان پس‌انداز کنید؟ (مصرف‌گرایی و تمایل به پس‌انداز)
- ۱-۱۰- شما تا چه حد تلاش می‌کنید که وضعیت اقتصادی بهتری داشته باشید؟ (سرزنش فقر)
- ۲-۱- روزی امروز ما مرگ است پس بهتر است به دنبال مال دنیا نباشیم (تقدیرگرایی)
- ۲-۲- چون که سرانجام ما مرگ است پس بهتر است به دنبال مال دنیا نباشیم (تقدیرگرایی)
- ۲-۳- بهتر است هر چه به دست می‌آوریم بخوریم چون هر لحظه ممکن است مرگ به سراغمان بیاید (تقدیرگرایی)
- ۲-۴- انسان هر چه مال کمتری داشته باشد، آسودگی بیشتری دارد (سرزنش فقر)
- ۲-۵- من احساس می‌کنم به جایگاهی که حقم بوده است رسیده‌ام (تقدیرگرایی)
- پیوست (۲) - برخی آیات، احادیث و روایات در مذمت فقر
- «اگر از فقر می‌ترسید، خداوند آن را به زودی بر طرف نموده و شما را غنی می‌سازد» (سوره توبه، آیه ۲۸).
- «شیطان به وعده فقر و ترس بی‌چیزی، شما را به کارهای زشت (و بخل) وادار کند، و خدا به شما وعده آموزش و احسان دهد و خدا را فضل و رحمت بی‌منتهاست و به همه امور جهان داناست (سوره بقره، آیه ۲۶۸).
- همانا رسولی از جنس (نوع بشر یا قوم عرب) برای هدایت خلق آمد، (که از فرط محبت و نوع‌پروری) فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می‌آید و بر آسایش و نجات شما بسیار حریص و به مؤمنان رؤوف و مهربان است (سوره توبه، آیه ۱۲۸).
- نزدیک است که فقر به کفر بینجامد. پیامبر اکرم (ص)
- حضرت علی (ع) خطاب به فرزندشان محمد حنفیه سفارش نمودند: ای فرزندان! من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹)

- خدایا آبرویم را با بی‌نیازی نگهدار و با تنگدستی شخصیت مرا لکه‌دار مفرما که از روزی خواران تو روزی خواهم و از بدکاران عفو و بخشش طلبم! مرا در ستودن آن کس که به من عطایی فرمود موفق فرما و در نکوهش آن کس که از من دریغ داشت، در صورتی که در پشت پرده اختیار هر بخشش و دریغی در دست توست و تو بر همه چیز توانایی (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۵).

- فقر مرگی بزرگ است (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۳).

- هر کس به فقر مبتلا گردد به چهار خصلت گرفتار شود: ضعف تعیین، نقصان عقل، سستی دین و کم‌حیایی. پس باید از فقر به خدا پناه برد (فصلنامه اندیشه حوزه، سال هفتم، شماره ۲).
- حضرت علی (ع) خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید: (ای فرزندم) انسانی را که به دنبال به‌دست آوردن غذای خویش است سرزنش مکن زیرا کسی که قوت و غذایش فراهم نباشد، خطا و لغزش زیاد است (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، حدیث ۵۸- منتشر در سایت: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به آدرس: <http://www.maarefquran.org> نویسنده: صغری بیگلر و دیگران، تاریخ مراجعه نگارنده به سایت: ۱۲ مرداد ۱۳۹۰).

- کسی که به فقر مبتلا گشت به کمی حیا و آبرو نیز مبتلا می‌گردد (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، حدیث ۵۸- منتشر در سایت: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به آدرس: <http://www.maarefquran.org> نویسنده: صغری بیگلر و دیگران، تاریخ مراجعه نگارنده به سایت: ۱۲ مرداد ۱۳۹۰).